

کتاب «المصنف» عبدالرزاق صناعی در آینه پژوهش

کوثر حلال خور (دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث)

kosar_halalkhor@yahoo.com

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲۷)

چکیده

یکی از انواع کتاب‌های اولیه حدیثی اهل سنت «مصنف» نام دارد. این سبک از نگارش در دهه‌های پایانی قرن دوم رواج یافه و کتاب المصنفه تألیف «عبدالرزاق»، از طبقه تابعان، یکی از نخستین جوامع حدیثی است که با اسلوب مصنف‌نگاری نگاشته شده است. این دوره – که از اوخر قرن دوم آغاز شده و تا میانه قرن سوم به طول می‌انجامد – از طلایی‌ترین دوره‌های سنت پیامبر است؛ زیرا حدیث و روایت در اوج شکوفایی خود بوده است و در این دوره تفاوت تدوین و تصنیف ظهر پیدا کرد. عبدالرزاق یکی از محدثان و راویان برجسته قرن سوم قمری و دوران اوج قدرت دولت عباسی است. در این دوران عواملی به وجود آمد که منجر به تدوین و نگارش سنت پیامبر شد که از جمله این نگارش‌ها و کتاب‌ها المصنف عبدالرزاق است. این نوشتار با هدف پرداختن به یکی از جوامع حدیثی و به روش توصیفی-تحلیلی، به معروف و بررسی کتاب المصنف عبدالرزاق می‌پردازد. المصنف عبدالرزاق نمونه‌ای از تلاش علماء در برابر جعل حدیث است. به همین دلیل، نگارش حدیث و نیز تصنیف در ابواب مختلف فقهه به وجود آمد. لذا مطالعه شیوه‌های کتابت در این مرحله اهمیت بسزایی دارد و به نظر می‌رسد که کتاب عبدالرزاق اثر خاصی در شیوه‌های نگارش کتب تصنیفی، به ویژه کتب شش‌گانه دارد. به عبارت دیگر، عبدالرزاق مبدع روش‌هایی در سندشناسی حدیث و فقهه بوده است که این روش‌ها توسط نویسنده‌گان کتب شش‌گانه به اوج شکوفایی خود رسید.

کلید واژه‌ها: المصنف، عبدالرزاق صناعی، مصنف‌نگاری، تدوین حدیث، جوامع حدیثی.

۱. بیان مسأله

سبک‌های متعدد و متنوع کتاب‌های حدیثی، دسترنج رزمات و نیوگ بسیاری از علماء و محدثان در بستر تاریخ است. کتاب المصنف، اثر حافظ ابوبکر عبدالرزاق بن همام صنعتی (م ۲۱۱ق) کتابی یازده جلدی، به زبان عربی و با موضوع فقه و اصول است. در این کتاب، مطالب مرسوم کتب فقهی، به همراه برخی مباحث دیگر از سوی نویسنده ارائه شده است. تألیف این اثر یک تا دو نسل پیش‌تر از آثار افرادی چون بخاری و مسلم – که در فضای متعصبه‌تری پدید آمده‌اند – صورت گرفته است و ما هرچه انواع قدیمی‌تر از این قبیل کتب حدیثی را مورد مدافعه قرار دهیم، دریافتی درست‌تر از آنچه گفته شده و رخ داده، خواهیم داشت. عبدالرزاق اگرچه معاصر شافعی بوده، اما از او تأثیر نپذیرفته است. اهمیت المصنف عبدالرزاق در این نکته است که مراجعی کهن‌تر از مجامع روایی معمول را به ما می‌شناساند؛ مراجعی از نیمه نخست قرن دوم که بسیاری از آن‌ها هرگز به شکل اثر مستقل به دست ما نرسیده‌اند. به طور کلی باید گفت که این اثر یکی از بهترین و پرمحتواترین آثار بر جای مانده برای انکاست حدیث، شامل هر آنچه که ذیل حدیث می‌آید، اعم از فقه، تفسیر، تاریخ و غیره است. بنابراین، با هدف دستیابی به این مسأله – که کتاب تولید شده در آن مقطع زمانی دارای چه ویژگی‌هایی بوده – ضروری است این کتاب به صورت خاص مورد بررسی و بازخوانی قرار گیرد تا روش‌های آن شناسایی و معوفی گردد.

با توجه به اهمیت کتاب المصنف، چند اثر در موضوع این کتاب نوشته شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

کتاب مختصر المصنف لعبدالرزاق بن همام الصنعتی (۱۴۱۷) به قلم مصطفی بن علی بن عوض که توسط انتشارات دار الجیل بیروت در چهار جلد به چاپ رسیده است. رساله «زوائد مصنف الامام عبدالرزاق الصنعتی على الكتب الستة من الاحاديث المرفوعة من اول المنصف الى نهاية كتاب المناسك دراسة و تخریج و تعلیق» (۱۴۱۹) در مقطع دکتری که توسط هاشم بن محمد بن احمد بنانی و نیز عبدالرحمن بن احمد بن عبدالرحمن الخریصی در شهر مکه تدوین شده است.



كتاب مجموع في كشف حقيقة الجزء المفقود (المزعوم) من مصنف عبد الرزاق (١٤٢٨) از محمد زياد بن عمر التكاله در شهر رياض که توسط دارالمحوث به چاپ رسیده است. مطالب كتاب حاوي سه بخش است؛ دو بخش نخست (دفاع عن النبي وسنة المطهرة، والازهاق الباطيل الاعلاق) از زياد بن عمر و بخش سوم (حقيقة المحمدية ام الفلسفه الافلوطينية) نوشته شيخ عايض بن سعيد الدوسري است.

عبدالرزاق الصناعي شخصیت و تراثه العلمی (١٣٩٠) کتابی در شرح حال عبدالرزاق صناعی و معرفی تفصیلی کتاب المصنف است. نویسندهان (سید حمید رضا محمودزاده حسینی، محمد جعفر محمودتبار) مطالب این کتاب در دو فصل سامان داده‌اند: فصل اول، با بیان ولادت و درگذشت عبدالرزاق، زندگی، آثار علمی، دلایل تشیع او، اشاره به روایاتش در فضایل اهل بیت علیهم السلام و امور اعتقادی، مثالب برخی صحابه، به شرح حال او پرداخته است. در فصل دوم، از جهات مختلف به معرفی کتاب المصنف پرداخته‌اند. به این منظور از نسخه‌های خطی، اساتید عبدالرزاق و شاگردانش (با توجه به المصنف) و ابواب کتاب و احادیث ائمه علیهم السلام در این اثر سخن به میان آمده است. فهرست آیات، احادیث و منابع، پایان بخش کتاب است.

رساله «زوائد مصنف عبدالرزاق الصناعی على کتب الستة» (١٤٠٤) در مقطع دکتری که توسط یوسف محمد صدیق در جامعه الامام تدوین شده است. پایان نامه «مرااسیل مصنف عبدالرزاق فی کتاب الصیام» (٢٠١٠) برای مقطع ارشد که توسط شیث بن شمس البحر در کشور مالزی نگاشته شده است.

كتاب المرويات التاريخية في كتاب «المصنف» للشيخ عبدالرزاق بن همام الصناعي الحميري/تحقيق عبدالمنعم جاسم الدليمي» (١٤٣٠) که در مرکز البحوث والدراسات الاسلاميه عراق چاپ شده است. این کتاب، افزون بر آن که در فصول مقدماتی، به بیان شرح حال مؤلف و معرفی کتاب پرداخته، تلاش کرده تا روایات تاریخی این اثر را تدوین، تحقیق و تحلیل کند. این کتاب می‌تواند ارتباط علم تاریخ را با حدیث به خوبی نشان دهد.

كتاب زندگی اجتماعی مسلمانان در قرن اول و دوم هجری: بر اساس کتاب المصنف عبدالرزاق بن همام صناعی (١٣٩٩) که توسط نسمیه فلاحی نژاد نگاشته شده است. مطالب كتاب در شش فصل تقسیم‌بندی شده و هر بخش شامل چند موضوع و مبحث است. فصل اول

۲. تعریف مصنف

مجموعه تألیفات حدیثی و فروع وابسته به آن دارای آشکال و انواعی است که از قرن دوم و سوم به بعد، بر حسب شرایط و نیازهای اهل علم و احیاناً جامعه، و تراکم تجربه‌های گوناگون دست‌اندرکاران علم حدیث و دیگر رشته‌های علوم اسلامی، در حوزه تأثیر و تصنیف پدید آمده و به تدریج، رو به کمال رفته و از تجزیه هر یک از این انواع یا ترکیب آن‌ها با یکدیگر و شرح و توضیح و تکمیل و استدراک نواقص آن‌ها، انواع جدیدتری به وجود آمده است. یکی از انواع کتاب‌های اولیه حدیثی اهل سنت، «مُصَّف» نام دارد.

به معنی عبدالرزاق صنعتی و کتاب المصنف اختصاص یافته است.
کتاب منهج الحافظ عبدالرزاق الصنعتی فی مصنفه (۱۴۲۹) اثر اسماء ابراهیم سعود عجین
که در شهر قاهره به چاپ رسیده است.

رساله «مکانه العلیمه؛ لعبدالرزاق بن همام الصنعتی فی الحديث النبوی» (۱۹۷۶) در مقطع دکتری دانشکده اصول قاهره که توسط اسماعیل عبدالخالق الدفتار نگاشته شده است.
مقاله «مصنف الامام عبدالرزاق صنعتی: تاریخ، تقيیم و منهج» (۱۴۳۲) اثر محمد ابواللیث الخیر آبادی در مجله الدراسات الاسلامیه پاکستان به چاپ رسیده است.

»The Musannaf of 'Abd al-Razzaq al-San'ani as a Source of Authentic Ahadith of the First Century A. H (1998)«

اثر هارالد موتسکی است که با عنوان «مصنف عبدالرزاق صنعتی منبعی برای احادیث قرن نخست هجری» توسط شادی نفیسی ترجمه شده است. مؤلف مقاله با رویکردی منبع‌شناسانه می‌کوشد اعتبار از دست‌رفته اسناد روایات فقهی را با یکدیگر احیا کند. وی به این منظور با مرور روایات المصنف عبدالرزاق و بررسی منابع و مشایخ روایی وی به این نتیجه می‌رسد که اعتبار اسانید روایات فقهی در متون کهن حدیثی بسیار بیشتر از تصویر برگامانده از تئوری‌های شاخت و گلدزیهر است.

پژوهش حاضر نیز در ادامه آثار پیش‌تر صورت گرفته و به بازخوانی و گزارش کامل از این کتاب وزین پرداخته است.

مصنف در اصطلاح محدثین چنین بیان شده است:

مصنف نوعی کتاب حدیثی است که در آن احادیث بر پایه ابواب فقهی آورده شده است، اما در کنار احادیث مرفوع، احادیث موقوف (مطالب منقول از صحابه) و مقطعی (مطالب منقول از تابعین) و به عبارت دیگر فتاویٰ صحابه و تابعین و آرای فقهی اتباع تابعین را نیز دربردارد (الطحان، ۱۹۹۶: ۱۰؛ کتابی، ۱۴۱۴: ۳۰).

نحوه چینش روایات در مصنفات بدین گونه است که به دنبال هر بابی، تنها احادیث مربوط به همان موضوع نقل می‌شود؛ هرچند از طرق مختلف روایت شده باشد. بدین ترتیب، در یک مصنف، کلیه احادیث مرتبط با (مثالاً) نماز، در یک جا گرد می‌آید. بنابراین محور احادیث در مصنف «وحدت موضوع» است.

اصل حدیثی، در عرض مصنف قرار دارد؛ با این تفاوت که مصنف‌ها به نحوی تدوین یافته‌اند که نویسنده در پدید آوردن آن‌ها حضوری آشکار داشته است؛ در حالی که در نوشتن یک اصل، نویسنده بدون کوششی برای مدون‌سازی، احادیث مسموع خود را تنها با نوشتن حفظ می‌کرده است.

ابن بابویه به عنوان یکی از قدیم‌ترین نامبران از اصل، اصول و مصنفات را به طور مجزا بیان کرده است (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱/۵) و در زمان شیخ طوسی و پس از او، صحابان اصل و نیز نویسنده‌گان با تغییر «اصحاب اصول» و «مصنفین» از هم متمایز می‌شدند (طوسی، ۱۳۵۱: ۱/۳).

۲-۱. علل تدوین المصنف توسط عبدالرزاق

انگیزه‌های نگارش و تصنیف هر کتابی ممکن است متعدد باشد. برخی کتابی را برای خواسته یک پادشاه و حاکم می‌نویسند و برخی برای پر کردن یک خلاً علمی، اما در زمانه‌ای که عبدالرزاق کتاب المصنف را نوشته، مهم‌ترین انگیزه نگارش‌ها حفظ و صیانت از احادیث و آثار و ترسی از بین رفتن علم (احادیث پیامبر) بوده است؛ همان‌گونه که حاجی خلیفه (۱۹۴۱) گفته است:

انگیزه نگارش این دوره و عبدالرزاق ثبت و ضبط قرآن و حدیث و معنای آن‌ها بوده است (۳۴/۱).

اگر بخواهیم علت و یا علل تصنیف کتاب المصنف عبدالرزاق را بدانیم، باید آن را در شرایط علمی عصر تدوین جستجو کنیم؛ این که به نگارش حدیث پیامبر رو آورددند، سپس به مرتب‌سازی آن بر



حسب موضوع پرداختند تا رجوع به آن آسان شود. به خاطر همین است که عمر بن عبدالعزیز دستور به کتابت و نگارش داد و گفت که من از زوال علم و علماء ترسیدم و امر به نگارش کردم. این دوره - که از اواخر قرن دوم آغاز شده و تا میانه قرن سوم به طول می‌انجامد - از طلایی‌ترین دوره‌های سنت پیامبر است؛ زیرا که حدیث و روایت در اوج شکوفایی خود بوده است و در این دوره تفاوت تدوین و تصنیف ظهرور پیدا کرد.

۳. معرفی عبدالرزاق صناعی

عبدالرزاق بن همام صناعی، فرزند همام بن نافع حمیری یمانی، عالم، مفسر، محدث و از بزرگان اهل تسنن و مورد مراجعه ائمه اهل سنت در یمن بوده است. نامهای دیگر وی عبارت‌اند از: ابی‌بکر عبدالرزاق بن همام بن نافع صناعی حمیری، عبدالرزاق صناعی حمیری مولاهم الابناؤی، ابوبکر عبدالرزاق صناعی و کنیه او ابوبکر است (صناعی، ۱۴۱۹: ۱۹). عبدالرزاق متولد سال ۱۲۶ق (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۵۴۸/۵؛ بخاری، ۱۳۷۷: ۶/۱۳۰؛ یاقوت حموی، بی‌تا: ۴۲۶/۳) در صنایع یمن است و در سن ۸۵ سالگی، به سال ۲۱۱ق در یمن، در دوره خلافت مأمون از دنیا رفته است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۹۹/۵). وی در یکی از شهرهای حومه صنعا به نام حمرا علب مدفون است (حجری یمانی، ۱۹۹۶: ۳/۴۳۳).

درباره نسبت وی به حمیر آمده است:

نسبت عبدالرزاق به قبیله حمیر به صورت ولاء است و عبدالرزاق مستقیماً از موالی قبیله حمیر نیست، بلکه از موالی زادگان حمیر است که به آن‌ها مغیثون می‌گفتد؛ زیرا به ذی‌مغیث بن ذی‌التوحّم نسبت داده می‌شدند و ایشان از جمله اوزاع بودند و در روسایی به نام ذاران زندگی می‌کردند که از توابع منطقه ذمار به شمار می‌رفت. اوزاع عشیره‌ای است که شامل مقری و حمیر و الهان و خولا است (بنانی، ۱۴۱۹: ۱۳؛ رک: صناعی، ۱۴۱۹: ۲۰).

همچنین برای توضیح نسبت الابناؤی گفته شده است:

اما کلمه الابناؤی نسبت واقعی است. ایناوهای فرزندان فارس بودند که پادشاه ایران آن‌ها را برای کمک به سیف بن ذی‌بین در جنگ علیه حبشهای فرستاد وقتی که از آن‌ها کمک خواست، پادشاه ایران زندانیانی که در زندان‌های ایران بودند، برای کمک

همراه فارس فرستاد) این زندانی‌ها بعداً در یمن سکنی گزیدند. و عبدالرزاق از نسل این ایرانی‌ها بوده است. پس ایرانی الاصل بوده است، ولی تولدش در یمن بوده و خودش را از طریق ولاء منسوب به حمیر کرده است (دفتار، ۱۹۷۶: ۷۴؛ فقی، ۱۹۹۴: ۲۵).
وی در طلب علم به حجاز، شام و عراق سفر کرد (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۷۷؛ ذهبي، ۱۴۲۷: ۵۶۳/۹؛ ابواللیث، ۱۴۳۲: ۸) و علمای بزرگ دوران خودش را دید و از آن‌ها علم آموخت.
سپس ملتزم بزرگانی از اهل علم به شکل شاگرد خصوصی شد. او هفت سال پیش معمراً زانوی شاگردی زد تا جایی که اغلب احادیث وی را حفظ کرد (صنعتی، بی‌تا: ۶؛ الرازی، ۱۲۷۱: ۳۸/۶). عبدالرزاق می‌گوید:

من از معمراً ده هزار حدیث نوشته‌ام (ذهبی، ۱۴۱۹: ۱۹۱/۱؛ الرازی، ۱۲۷۱: ۳۸/۶).

او که در اواخر عمر بینایی خود را از دست داد، از حافظان بر جسته قرآن کریم بود. عبدالرزاق از حافظان حدیث و روایان مورد اعتماد بوده و «هفده هزار حدیث را از حفظ داشت» (ذهبی، ۱۴۱۹: ۱۹۰/۱؛ ابن حجر، ۱۳۲۵: ۲۸۰/۶).

۱-۳. اساتید و شاگردان عبدالرزاق

برخی تعداد اساتید وی را ۶۵ نفر دانسته (طبیسى، ۱۳۷۹: ۲۴۵-۲۴۲؛ المزى، ۱۴۰۰: ۵۲/۱۸؛ بنانى، ۱۴۱۹: ۱۹/۱) و برخی دیگر از ۵۸ نفر از شیوخ وی نام برده‌اند (صنعتی، ۱۴۱۹: ۴۰/۱؛ ۴۵-۴۰) و تعداد شاگردانش را ۸۲ نفر ذکر کرده‌اند (طبیسى، ۱۳۷۹: ۲۴۶-۲۴۷) که اکثرشان ثقات هستند (المزى، ۱۴۰۰: ۱۸-۵۲؛ ۶۱-۵۲) و برخی دیگر از ۳۷ نفر از شاگردان وی باد کرده‌اند (سعود عجین، ۱۴۲۹: ۶۳-۶۶).

اساتید عبدالرزاق در سه صنف قابل دسته‌بندی هستند:

صنف اول: کسانی که عبدالرزاق بیشترین روایت را از آن‌ها نقل کرده است (چهار نفر) که بیش از نهصد روایت است. این افراد به ترتیب کثیر روایت، عمر بن راشد، عبدالملک بن جریح، سفیان ثوری و سفیان بن عینه هستند.

صنف دوم: افرادی که تعداد روایاتشان بین صد تا سیصد روایت است و عبارت‌اند از: اسرائیل بن یونس، عبدالله بن عمر العمری و مالک بن انس.

صنف سوم: افرادی که روایتشان زیر صد روایت است. این افراد شامل آن‌هایی است که ذهبی در سیر أعلام النبلاء آورده و عبدالرزاق آثار آن‌ها را خوانده است.
درباره شاگردان وی می‌توان گفت:

۱. شاگردان عبدالرزاق از سرزمین‌های گوناگونی هستند. اضافه بر یمن (صنعت و نجران) از حجاز (مکه)، عراق (بغداد، کوفه و بصره)، ری، نیشابور، مرو و بخارا هم هستند و این پراکنده‌ی بیان‌گر مناطق مختلفی است که عبدالرزاق به آن‌ها سفر کرده است.

۲. از بین شاگردان عبدالرزاق افرادی هستند که از بزرگان حدیث در زمانه خود به شمار می‌روند؛ مانند احمد بن حنبل، اسحاق بن راهویه، علی بن المدینی و یحیی بن معین.

۳. از جمله شاگردانش می‌توان بخاری و مسلم یا یکی از آن‌ها و مشاهیری را مانند اسحاق ابن راهویه، الحجاج بن الشاعر، عبد بن حمید، علی بن المدینی، محمد بن رافع، محمد بن یحیی‌الذهلی و محمود بن غلین نام برد.

۴. شاگردان عبدالرزاق در درجات و مرتبه‌های مختلفی هستند: الف) بیشتر آن‌ها از درجه ثقه و حافظ هستند که تعداد آن‌ها شانزده نفر است. بعضی از آن‌ها در درجه ثقه و ثبت هستند که چهار نفرند. ب) آن‌هایی که فقط ثقه هستند، هفت نفرند. ج) آن‌هایی که از درجه صدوق لا بأس به هستند، هفت نفرند. د) و از بین شاگردانش کسانی هستند که مجھول الحال‌اند که تعدادشان سه نفر است، ولی کسی آن‌ها را در ضعیف ندانسته است.

سيطره علمی عبدالرزاق به حدی بوده است که حتی شیوخ او نیز از او روایت کرده‌اند و با نگاهی به روایان وی این نکته روش می‌شود که روایان وی از مناطق مختلف جهان اسلام بوده‌اند و برخی از روایان وی از شیوخ و برخی نیز از اقران وی هستند (غلامی،

.۳ : ۱۳۸۷)

ابو سعد ابن السمعانی درباره مراجعه شاگردان به وی گفته است:

قیل: ما رحل الناس الى احد بعد رسول الله مثل ما رحلوا اليه (ابن خلکان، ۱۳۶۴):

.۳ / ۲۱۶

عبدالرزاق درباره سه تن از شاگردانش – که جایگاه ویژه‌ای نزد وی داشته‌اند – گفته است:

كتب عنى ثلاثة، لا ابالى الا يكتب عنى غيرهم، كتب عنى ابن الشاذكونى وهو من

احفظ الناس، وكتب عنی یحیی بن معین وهو من اعرف الناس بالرجال، وكتب عنی
احمد بن حنبل وهو من ازهد الناس (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۳۶/۱۷۷).

۲-۳. مذهب عبدالرزاق

به نظر برخی، وی از محدثان برجسته‌ای است که خدمات ارزشمندی در حفظ و نشر احادیث اهل
بیت ﷺ دارد. شیخ طوسي (۱۳۷۳) او را از اصحاب حضرت صادق علیه السلام شمرده (۲۶۵) و تقریباً
(۱۴۱۸) به نقل از رجال شیخ، او را از اصحاب امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام دانسته است
(۵۸/۳). همچنین صاحب جامع الرواه (۱۴۰۳) عبدالرزاق را از اصحاب امام صادق علیه السلام معرفی
کرده است (۱۴۱۸). شبستری (۱۴۱۸) نیز عبدالرزاق را با عبارت «من حسان محدثی
الاماکیه» ستوده و روایت عبدالرزاق از امام جواد علیه السلام را آورده است (۲۲۹/۲ و ۲۳۰).

برخی او را شیعه دانسته‌اند (ذهبی، ۱۳۸۲: ۶۰۹/۲). «سید شرف الدین» (بی‌تا) گفته است:

كان عبد الرزاق من أعيان الشيعة و خيرة سلفهم الصالحين (۱۴۶).

شیخ آقا بزرگ (۱۴۰۳) در الذریعه او را از مصنفان شیعه می‌شمارد (۲۵۰/۴) و ابن خلدون
(۱۳۶۳) به شیعه بودن وی اشاره می‌کند (۳۲۰/۱).

همچنین از علمای اهل سنت - که او را شیعه دانسته‌اند - می‌توان «عجلی» (۱۴۰۵) :
«ابن حبان» (۱۳۹۳: ۴۱۲/۱)، «ابن عدی»، «ذهبی» و «ابن حجر عسقلانی»
(۹۳/۲: ۱۳۲۵: ۵۹۹/۱) را نام برد.

آیة الله خوبی (۱۳۶۸) در معجم رجالش (۱۵/۱۱) از تقيیه عبدالرزاق سخن گفته است.

شمس الدین داودی (بی‌تا) درباره او می‌گوید:

عبد الرزاق، حافظ احادیث عمر بن راشد بود. همگان او را موثق دانسته و در صحاح سنته از او
روایت کرده‌اند. تنها تشیع را بروی خرد گرفته‌اند، ولی در تشیع نیز افراط‌گر نبود، بلکه علیه السلام
رادوست می‌داشت و دشمنان او را دشمن می‌دانست و از آنان نفرت داشت (۳۰۲/۱).

عبدالرزاق از روایت کنندگان حدیث طیر است (طبرانی، ۱۴۱۵: ۲۰۶/۲) که مالک بن انس آن را
روایت کرده است. این حدیث از احادیثی است که با آن بر امامت امیرالمؤمنین استدلال می‌کنند.

باتوجه به نظرات مطرح شده در این خصوص، می‌توان به این جمع‌بندی دست یافت که برخی
درباره عبدالرزاق احتمال تشیع داده‌اند، ولی آنچه درباره اوی مسلم است، این که امیرالمؤمنین علیه السلام را

بر سایر خلفای سه‌گانه ترجیح می‌داده است. او در این باره می‌نویسد:

وقتی شرح صدر یافتم که علی را بر ابوبکر و عمر راجح دانستم (صنعتی، بی‌تا: ۶).

۳-۳. نظرات رجالیان درباره شخصیت حدیثی عبدالرزاق

مسئله جرح و تعدیل از دیرباز مورد توجه علماء و فقهاء بوده است تا از این طریق راویان سالم را از افراد ناباب جدا و معرفی کنند. درباره وثاقت عبدالرزاق برخی افراد او را با لفظ ثقه توصیف کرده‌اند: ابو داود (ابن حجر، ۱۳۲۵: ۲۸۰/۶)، احمد عجلی (۱۴۰۵: ۹۳/۲)، ابن حجر عسقلانی (۱۳۲۵: ۳۵۴) و ذهبی (۱۴۲۷: ۵۶۳/۹).

یحیی بن معین نیز از لفظ «ثقة لا يأس به» (ابن اثیر، بی‌تا: ۳۱۱/۵) و ابن عmad حنبلی از «ثقة غير واحد» (صنعتی، بی‌تا: ۸-۷) برای توصیف وی استفاده کرده است.

در خصوص اهتمام عبدالرزاق در ذکر روایت، بخاری تأکید کرده است:

عبدالرزاق یہم فی بعض ما یحدث به؛

عبدالرزاق در مواردی که حدیث می‌آورد، اهتمام خاصی دارد (ترمذی، ۱۴۰۹: ۵۳۵/۱).

همچنین محمد بن راشد درباره ورع وی گفته است:

ما رایت احداً اورع فی الحديث منه (الرازی، ۱۲۷۱: ۲۵۳/۷).

هشام بن یوسف می‌گوید:

کان عبدالرزاق اعلمنا واحفظنا (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۷۳/۳۶).

ابن حبان (۱۳۹۳) نیز وی را چنین توصیف می‌کند:

و كان من جمع و صنف و حفظ و ذاكر (۴۱۲/۸).

در کتاب طبقات فقهاء یمن درباره وی چنین آمده است:

عبدالرزاق از طبقه دوم تابعان تابعین از فقهاء یمن است. وی از جمله امامان و بزرگانی

است که دیگران برای تلمذ علم پیش او می‌آمدند. او فقیه شهر صنعا بود (جعدي،

(۶۸-۶۷: ۱۹۵۷)

عقیلی درباره نقل حدیث از وی می‌گوید:

از احمد بن محمد شنیدم که می‌گفت: از ابوصالح محمد بن اسماعیل ضرایی شنیده که می‌گفت: ما در صنعا نزد عبدالرزاق بودیم که کسی به ما می‌گفت: یحیی بن معین و احمد بن حنبل و دیگران از حدیث عبدالرزاق کراحت دارند و آن را متربوک می‌دارند. ما از شنیدن این مسأله بسیار متأثر شدیم. من سختی راه و هزینه‌ها و سایر مشکلات را به جان خریدم و در موسم حج به مکه رفتم و در آنجا یحیی بن معین را ملاقات کردم و به او گفتم: ای ابوزکریا، چیزهایی درباره عبدالرزاق از شما شنیده‌ام. آیا این شنیده‌ها صحت دارد؟ گفت: چه شنیده‌ای؟ گفتم: به ما گفته‌اند که شما حدیث وی را ترک کرده و از آن روی گردانید. گفت: ای ابوصالح، اگر عبدالرزاق از اسلام هم برگردد، ما حدیث وی را ترک نمی‌کنیم (صنعتی، بی‌تا: ۸-۷).

آن گونه که از مطالعه آثار رجالی بر می‌آید، عبدالرزاق، محدث و فقیه سده سوم یمن، جایگاه قابل اعتمادی در انتقال میراث حدیثی دارد و از توثیقات عام و خاص قابل اعتمادی نیز پهنه‌مند است که همین امر قول به وثاقت او را راجحان می‌دهد. نتیجه، این که باید عبدالرزاق را موثق دانست.

۳-۴. آثار عبدالرزاق

از عبدالرزاق صنعتی آثار متعددی بر جای مانده که عبارت‌اند از:

۱. المصنف،
۲. تفسیر القرآن (نسخه خطی) (۱۴۱۰، تحقیق مصطفی مسلم محمد، اول، ریاض: مکتبه الرشد)،
۳. الأمالی فی آثار الصحابة (۱۹۸۹، تحقیق مجید السید ابراهیم، قاهره: مکتبه القرآن)،
۴. تزکیة الأرواح عن موقع الأفلاح (کحاله، بی‌تا: ۲۱۹/۵)،
۵. السنن فی الفقه (بغدادی، ۱۹۵۱: ۵۶۶/۱؛ کحاله، بی‌تا: ۲۱۹/۵)،
۶. عوالی.

۳-۴-۱. نظرات درباره یکی بودن المصنف عبدالرزاق و جامع

افرادی که درباره این مسأله اظهار نظر کرده‌اند، در سه دسته جای می‌گیرند:

۱. برخی افراد از جامع عبدالرزاق بدون نام بردن از المصنف وی یاد می‌کنند (حاجی خلیفه، ۱۹۴۱: ۵۷۶/۱؛ بغدادی، ۱۹۵۱: ۵۶۶/۱؛ کحاله، بی‌تا: ۲۱۹/۵).

۲. برخی افراد المصنف عبدالرزاق را بدون نام بدون از جامع یاد می کنند (إشبيلي، ۲۰۰۹: ۵۴).
۳. برخی دیگر از هر دو کتاب برای وی یاد می کنند (زرکلی، ۱۹۸۰: ۳۵۳/۳؛ کتانی، ۱۴۱۴: ۳۰؛ فؤاد سرگین، ۱۴۱۲: ۱۸۴/۱).

استدلال هایی که برای یکی بودن این دو کتاب بیان شده، چنین است: ۱. این نظر غالب نویسندهای قدیم و جدید کتاب های فهرست است؛ ۲. شاید منشأ اختلاف به وجود کتاب الجامع فی الحديث عمر بن راشد بر می گردد؛ زیرا خیلی ها به غلط آن را به عبدالرزاق نسبت داده اند؛ مخصوصاً به این علت که خود عبدالرزاق آن را در آخر کتاب المصنف ذکر کرده است؛ ۳. کسانی که این کتاب را المصنف نامیده اند، دیگر آن را جامع نام گذاری نکرده اند؛ زیرا می دانستند که کتاب جامع از آثار عبدالرزاق نیست؛ ولی کسانی که آن را جامع نام گذاری کرده اند، به این اعتبار آن را جامع نام گذاری کرده اند که جمع کننده همه ابواب دین است؛ ۴. گذشته از این، عصری که عبدالرزاق در آن زندگی می کرده است، عصر اهتمام به جمع کردن آرا (فقهی) بوده است. پس عبدالرزاق به کتابش کتاب جامع عمر را هم افزود تا تمام ابواب دینی (حتی ابواب غیرفقهی) را شامل شود و دیگر موجه نیست که غیر از این دو کتاب به آن افزوده شود؛ ۵. از این گذشته، فؤاد سرگین - که آنها را دو کتاب مجزا می داند - ذکر کرده که کتاب جامع در واقع افزوده شده به کتاب المصنف است و در نهایت، یک کتاب شده است و برای همین است که نام گذاری این کتاب با نام المصنف مشهورتر و صحیحتر است.

در مقابل این نظرات، برخی دیگر جواب داده اند:

جامع عبدالرزاق همان المصنف عبدالرزاق به همراه جامع عمر است؛ همان گونه که

مؤلفات دیگری نیز در حدیث و غیر حدیث دارد (سعود عجین، ۱۴۲۹: ۹۹).

يعنى عبدالرزاق هنگام روایت از الجامع استفاده، هر جا لازم دیده، از طرف خودش هم اضافه کرده است و وقتی «مصنف» خود را تأليف نموده، «جامع عمر» (با افزودهها) را با عنوان «كتاب الجامع» در آخر کتابش آورده است. بنابراین، از یک لحاظ «جامع عمر»، بخشی از «مصنف» است و از لحاظ دیگر کتاب جداگانه‌ای است (صدیقی، ۲۰۱۹: ۴۱۵).

حاصل کلام، این که جامع عبدالرزاق و جامع عمر، هر دو، یکی هستند و فقط از لحاظ نسبت، وجود جداگانه‌ای دارند. این امر بر ابن عبدالبر (۱۴۱۲) و حافظ ابن حجر عسقلانی (۱۴۰۷) هم معلوم بوده است. حتی حافظ ابن حجر (۱۴۱۸) در المعجم المفهرس سندهای

هر دو کتاب را هم جداگانه آورده است. فواد سزگین (۱۴۱۲) هم نوشته است:

الجامع ... و قد روی هذا الكتاب تلميذه عبدالرزاق فأضاف إليه أحاديث أخرى، و جعل الكتاب ملحقاً بكتابه (المصنف) (۱۸۴/۱).

۳-۵. اوضاع سیاسی دوران عبدالرزاق

عبدالرزاق در ثلث اول قرن دوم هجری - که پایان دوران خلافت امویان و انتقال آن به عباسیان بود - متولد شد. اوضاع سیاسی دوران عبدالرزاق، بجز قیام علویان و دولت زیدی، دوره آرامش و استقرار سیاسی بوده است. در این دوره فرقه‌های خوارج، شیعه، معترض و مرجه و وجود داشتند.

تأثیرات سیاسی این دوران بر حدیث شامل «انکار حجیت سنت (رد احادیث صحابه، رد خبر واحد) و وضع حدیث» بوده است. ابن حجر (۱۴۰۷) گفته است:

دلایل جعل حدیث یا عدم دینداری بوده (زنديق بودن)، یا جعل متعصبان بوده، یا شدت تعصب برخی از مقلدان، یا پیروی از هوی و هوس برخی بزرگان، یا علاقه به مشهور شدن و یا اباده وضع از سوی برخی متصوفه برای ترغیب و ترهیب بوده است (۵).

دوران عبدالرزاق دوران استقرار و ثبات و سیاسی بوده و این ثبات سیاسی شامل حال یمن هم شده است. در این منطقه فرقه‌های مختلف سیاسی و مذهبی وجود داشته است که تأثیر بسزایی بر حدیث می‌گذاشتند و شاید باعث جعل حدیث می‌شدند. تدوین و نگارش سنت از جمله تلاش‌های علماء در برابر جعل حدیث بود و کتاب المصنف عبدالرزاق از جمله این تلاش‌ها در مخالفت با جعل حدیث به شمار می‌رود.

۳-۶. انتقادت وارد به عبدالرزاق

۳-۶-۱. اختلاط

قضیه اختلاط بزرگان و ارباب حدیث همواره محور عنایت و اهتمام علماء بوده است. مسأله اختلاط درباره عبدالرزاق دو نوع است: نوع اول اختلاط در غیر از کتاب‌هایش و نوع دوم اختلاط به علت از دست دادن بینایی اش. در مورد نوع اول می‌توان گفت: ۱. کتاب‌های عبدالرزاق صحیح است و تأثیری از قضیه اختلاط نپذیرفته و شاهد دقت و تیزیینی ایشان در وارد کردن احادیث در کتابش بوده‌ایم. ۲. اما در مورد حفظ، بخاری ملاحظاتی درباره عبدالرزاق دارد. ۳.



احادیث کتاب‌های عبدالرزاق – که در یمن نوشته شده – صحیح است. ۴. اما در مورد قضیه حفظ – که شاید از دست دادن بینایی علتش باشد – پس هر کسی که بعد از اختلاط عبدالرزاق از وی حدیثی شنیده، ضعیف است (سعود عجین، ۱۴۲۹: ۷۳).

ابن حجر (۱۴۰۳) ضمن آوردن نام وی در طبقه دوم طبقات المدلسین (۳۴) درباره تأثیر ضعف بینایی در حدیث وی گفته است:

دو شیخ (بخاری و مسلم) آنچه را از عبدالرزاق، قبل از اختلاط شنیده‌اند، قبول کرده‌اند
و قاعده آن‌ها این بوده است که آنچه قبل از سال ۲۰۰ بوده از او قبول کرده‌اند؛ اما بعد
از سال ۲۰۰ ق احادیث وی را قبول نکرده‌اند (ابن حجر عسقلانی، مقدمه فتح الباری،
۱۴۰۷: ۴۱۹).

احمد بن حنبل درباره ضعف بینایی او گفته است:
أَتَيْنَا عَبْدَ الرَّزَّاقَ قَبْلَ الْمَائِتَيْنِ وَهُوَ صَحِيحُ الْبَصْرِ، وَمَنْ سَمِعَ مِنْهُ بَعْدَ مَا ذَهَبَ بِصَرَهُ فَهُوَ
ضَعِيفُ السَّمَاعِ؛

ما قبیل از سال ۲۰۰ نزد عبدالرزاق رسیدیم و چشمانش سالم بود؛ اما هر کس از او پس
از نابینایی اش حدیث شنیده، دریافته که او دقت نداشته است (ابن عساکر، ۱۴۱۵:
۱۶۹/۳۶؛ علائی، ۱۴۱۷: ۷۴).

۳-۶-۲. شیعه‌گری

اختلاط و شیعه بودن عبدالرزاق محل اختلاف علماء است.

حفظ و اختلاط دو دلیلی است که وی را بر آن داشته که برخی احادیث را در کتاب
المصنف وارد نماید؛ اما قطعاً عبدالرزاق در شیعه بودنش غلوی نداشته است (سعود
عجین، ۱۴۲۹: ۳۸۲).

عبدالرزاق شیعه متخصص نبوده و در روایت کردنش صادق و راست‌گو بوده است
(ابواللیث، ۱۴۳۲: ۱۵).

۳-۶-۳. تدلیس

اتهام تدلیس به عبدالرزاق وارد نیست و ممکن است فقط شباهه‌ای باشد. در هر صورت، امامان
حدیث اهل سنت احادیث او را پذیرفته‌اند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که گروهی وی را ضعیف دانسته و حاضر به پذیرفتن روایات وی نشدن؛ در حالی که گروه دیگر روایات دوران سلامت وی را پذیرفتند. پس از بررسی ادله این دو گروه در نهایت با تعمق و تحلیل دقیق این مسأله، صحت قول دوم، مبنی بر اعتبار روایات منقول از عبدالرزاق در دوران صحت و سلامت نتیجه گرفته می‌شود.

۴. معرفی کتاب المصنف عبدالرزاق

بخش مقدمه المصنف عبدالرزاق جزء بخش‌های مفقود این کتاب است و به همین دلیل، دست‌یابی به برخی از اطلاعات کتاب، نظیر انگیزه و روش مؤلف ناممکن به نظر می‌رسد. بر اساس چاپ مشهور، کتاب المصنف عبدالرزاق در دوازده جلد ارائه شده که یازده جلد آن مربوط به محتوای مطالب است و جلد دوازدهم به ارائه فهارس اختصاص دارد و فهارس احادیث، اعلام فقهی و اعلام در این جلد به صورت مستقل ارائه شده است.

در صفحه پایانی جلد اول کتاب، تصویر نسخه خطی آن را ارائه شده است. فهرست مطالب هر جلد در انتهای همان جلد ذکر شده و در آخر برخی از مجلدات رمزهای (کلمات اختصاری) به کار رفته در کتاب توضیح داده شده است که عبارت‌اند از: ت: ترمذی، ته: تهذیب التهذیب، حب: ابن حبان، حم: احمد، خ: بخاری و ... (صنعتی، ۱۴۰۳: ۲۰/۱).

۴-۱. توصیفات درباره کتاب المصنف عبدالرزاق

ناشر در مقدمه کتاب آورده است:

این کتاب - که ما آن را تقدیم شما می‌کنیم - مجموعه عظیم و پربهایی است؛ مانند دریابی مالامال از احادیث و آثاری که بزرگان حدیث و فقها از آن بهره‌ها برده‌اند؛ بزرگانی مانند احمد بن حنبل و اسحاق بن راهویه و امام بخاری و مسلم و دیگر صحابان علم اصول. این کتاب کتابی است که ذہبی آن را خزانه علم نامیده و قسم به خداوند که مبالغه هم نکرده است؛ چرا که این کتاب به خاطر غنی بودن مضامینش و سرشار بودن محتویاتش به حق، شایسته این است که دائرة المعارف حدیث نامیده شود (صنعتی، ۱۴۰۳: مقدمه کتاب)

ذهبی (۱۳۸۲) از این کتاب با عنوان «خزانة علم» یاد کرده است (۶۰۹/۲) و یکی از

مستشرقان سرشناس به نام هارالد موتسکی (۱۳۸۵)، در پژوهشی که درباره این کتاب انجام داده، معتقد است:

در میان مجموعه‌های حدیثی، این کتاب برای رویکردی منبع‌شناسه‌گانه بسیار مناسب است (۹۷).

محقق کتاب، در ابتدای جلد اول می‌نویسد:

نسخه‌هایی که ما به آن‌ها دست یافته‌یم و مواردی را که به صورت تصویر یا خطی احراز کردیم و در آمده‌سازی این اثر برای چاپ از آن بهره بردیم، همه به جز نسخه مراد ملا در آستانه، ناقص بودند. نسخه مراد ملا کامل‌ترین نسخه است و فقط در ابتدای آن و همچنین در ابتدای جلد پنجم از مجلدات اصلی نقص سیطی وجود دارد. ما برای تتبیه بر نقص نسخه در ابتدای آن، این ورقه را خالی گذاشته‌ایم؛ به امید این که علمای جستجوگر آگاه بر نسخ خطی ما را در رفع این نقیصه یاری رسانند (صنعتی، ۱۴۰۳: ۳/۱).

کتاب المصنف عبدالرزاق در مرتبه سوم کتاب‌هایی قرار می‌گیرد که کلام پیامبر و غیرپیامبر را گردآوری کرده است. در این کتاب مواردی که کاملاً صحیح است و مواردی که سند آن خوب است و علمای حدیث به آن استناد کرده‌اند (قنوجی، ۱۴۰۵: ۱۱۴-۱۲۳؛ قاسمی، ۱۴۲۷: ۲۴۵-۲۵۱).

بخشی از این کتاب ده جلدی (به همراه یک جلد جامع عمر و یک جلد فهارس) اختصاص به تاریخ دارد که بیش از همه شامل مغایزی است. شایان ذکر است که بخشی از مهم‌ترین کتب حدیثی، شامل گزارش‌های صریح یا حاشیه‌ای از مغایزی هستند. در معدودی از کتب حدیثی نیز بخش مستقلی تحت عنوان «کتاب المغازی» وجود دارد. این کتب عبارت‌اند از: المصنف عبدالرزاق، المصنف ابن ابی شیبہ و صحیح البخاری.

با وجود آن که کتاب المغازی عبدالرزاق هم‌اکنون بخشی از المصنف وی است، اما کاملاً اطمینان نداریم که این فصول همیشه به همین صورت (یعنی بخشی از المصنف وی) بوده باشد. هارالد موتسکی در این باره می‌گوید:

عبدالرزاق بیش‌تر بخش‌های کتاب المغازی را از اثری که معمر بن راشد، به همین نام داشته و دیگر موجود نیست، اقتباس نموده است؛ هرچند محتمل است که این گزاره‌ها

نیز آن‌گونه که توسط عبدالرزاق نقل شده‌اند، از ابتدا بخش‌هایی از کتاب المصنف بوده‌اند و بعداً بدان الحق نشده‌اند (زمان، ۱۳۸۰: ۳).

این موضوع – که کتاب المغازی عبدالرزاق در اصل بخشی از المصنف آن بوده یا خیر – چندان اهمیتی ندارد، بلکه آنچه شایان توجه بیشتری است، این نکته است که در سده‌های بعدی، تصور غالب این بود که احادیث و مغاری آن‌ها در کنار هم و به صورت یک کتاب بوده است. این برداشت از آن جهت مهم است که می‌تواند به عنوان معیاری برای تمییز بین اخباریون و محدثین به کار آید. لذا با توجه به این معیار، اثر عبدالرزاق بیشتر در زمرة آثار محدثین قرار می‌گیرد.

به عبارت دیگر، نباید کتب حدیثی، مانند المصنف عبدالرزاق را پیکره یکپارچه و تفکیک‌ناپذیری تصور کنیم که می‌توانند هم طراز و هم سنگ آثار تاریخی قرار گیرند؛ زیرا کتب حدیثی از لحاظ انتخاب محتوای گزاره‌های تاریخی درباره مغازی روش‌ها و اهداف گزینش و کاربرد این گزاره‌ها، با یکدیگر تفاوت‌های چشم‌گیری دارند.

کتاب المصنف منبعی از منابع حدیث به شمار می‌آید و اثری درخور و شایسته در فقه است. عبدالرزاق آن را به صورت باب با به رشته تحریر درآورده که مورد استفاده امت اسلامی در همه عرصه‌های دینی قرار گیرد و ائمه و بزرگان فقه در احکام فقهی در مورد مسائل گوناگون به منظور این که آراء و احکام‌شان را بیشتر مستدل ارائه دهند، به این کتاب استدلال می‌کنند. عبدالرزاق این کتاب را به سان چشمه‌ای زلال و آبشخوری گوارا برای آنان که می‌خواهند احکام دین و دنیا را یادداشته باشند، به رشته تحریر درآورده است (ابواللیث، ۱۴۳۲: ۴۸).

انتساب این کتاب به عبدالرزاق صناعی صحیح و ثابت شده است. شواهدی که حاکی درستی این انتساب هستند، عبارت‌اند از:

- گسترده‌گی و شهرت که یکی از قوی‌ترین ادله در نسبت دادن کتاب به عبدالرزاق است؛
- سند متصل به روات ثقات تا عبدالرزاق؛
- متون مختلفی که این کتاب را به او نسبت داده‌اند: مزی در تهذیب الکمال، ذهبی در السیر، تذكرة الحفاظ و کتب دیگرش و نیز حافظ ابن حجر در تهذیب التهذیب.
- سخن و نص اصحاب کتب فهارس در اثبات نسبت این کتاب به عبدالرزاق: حاجی خلیفة در کشف الظنون، کتابی در الرسالۃ المستطرفة و فواد سرگین در تاریخ التراث العربی؛

- گروهی از دانشمندان از او در کتاب‌های خود، با انتساب کتاب به وی، نقل کرده‌اند: زیلیع در نصب الراية (۱۸۶ و ۲۶ و ۳۹۰ و ۴ و جاهای دیگر)، حافظ ابن حجر در فتح الباری (۱۸ و ۵۸۱ و ۲۸۳ و ۲۸۷)، الدراية (۲۴۳ و ۲۸۳) و تلخیص الحبیر (۱۹۴ و ۲).

۵. روش‌های عبدالرزاق در کتاب المصنف

۱-۱. روش تحمل حدیث

محدثان از الفاظ و روش‌های مختلفی برای اخذ حدیث استفاده می‌کنند؛ نظیر سمعنا، حدثنا، اخبرنا، انبنا، قرآن، عن و ... و این الفاظ نزد بعضی محدثان از ارزش‌های متفاوتی برخوردار هستند؛ اما عبدالرزاق، مانند روش اکثر حجازیان و کوفیان، تفاوتی میان این الفاظ نمی‌گذارد. از شاگرد عبدالرزاق نقل است:

سمعت عبد الرزاق يقول: سمعنا و عرضنا، وكل سماع (ابوزکریا، ۱۴۰۰/۳: ۸۱).

در روایت دیگر از یحیی بن معین آمده است:

رأيت عبد الرزاق بمكه يحدث، فقلت له: هذه الاحاديث سمعتها؟ فقال: بعضها سمعتها وبعضها عرضا وبعضها ذكره وكل سماع (احمد بن حنبل، ۱۴۲۲/۲: ۶۰۶).

۲-۱. روش گزینش حدیث

عبدالرزاق از جمله کسانی است که در کتابش پایبند صحیح یا حسن بودن حدیث نبوده و هر آنچه را مربوط به مسأله بوده، آورده است؛ چه آن حدیث صحیح بوده یا احسن و یا ضعیف.

عبدالرزاق مقوله صحت را در سند یک حدیث شرط نکرده است؛ اما در حقیقت، اکثر کتابش صحیح است و بیشتر از خلال استقراری استادانش این امر محقق شده است (سعود عجین، ۱۴۲۹: ۱۷۵).

اغلب آنچه در این کتاب آمده، صحیح است. عبدالرزاق اکثر راویان احادیثش را از طبقه اول روات انتخاب کرده است؛ اما در مورد کسانی که آن حدیث را نقل کرده‌اند، بیشتر جانب شیوخ اش را می‌گیرد؛ مخصوصاً این اسناد اگر فقط به یک نفر باشد. عبدالرزاق ملحقات یک حدیث را همراه یا جدا از آن می‌آورد.

کتاب عبدالرزاق از جمله کتاب‌هایی است که در آن کلام پیامبر و غیرپیامبر وجود دارد.

برخی از احادیث صحیح هستند و یا سند آن‌ها خوب است و علمای حدیث به آن‌ها استناد کرده‌اند و برخی احادیث متروک و ضعیف هستند (قنوچی، ۱۴۰۵: ۱۱۴ - ۲۴۵: ۱۴۲۷). قاسمی، ۱۴۲۳: ۲۵۱-۲۴۵).

معنای این حرف این است که کتاب‌های این زمرة از نویسنده‌گان و این طبقه شامل احادیثی است که هم صحیح است و هم ضعیف. در این کتاب‌ها هم اقوال پیامبر وجود دارد و هم غیرپیامبر. کتاب المصنف آنکه از اقوال صحابه و تابعین یا اتباع تابعین است (ابواللیث، ۱۴۳۲: ۲۹).

۳-۳. روش بیان طرق حدیث

الف) عطف کردن بین آن‌ها؛

ب) سندهای یک حدیث را با هم می‌آورد؛

ج) متابعات حدیث را می‌آورد؛

د) سندهای دیگر را برای آن حدیث می‌آورد.

همچنین روش تکرار در کتاب المصنف به شیوه ذیل است:

الف) تکرار سند و متن: دوباره آوردن یک حدیث در بیشتر از یک باب، بدون استنباط فایده‌ای جدید؛

ب) تکرار به علت اختلاف در سند؛

ج) تکرار به علت اختلاف در متن؛

د) تکرار به علت وجود اختلاف در متن و سند هر دو.

۴-۴. روش ترتیب احادیث هر باب

این کتاب (تا جلد ده و بدون احتساب جامع عمر) شامل ۳۱ کتاب و ۲۰۷۲ باب در موضوعات عقیده و عبادت و معاملات و اخلاق و غیره است. با «کتاب طهارت» شروع و به «کتاب اهل الکتابین» ختم می‌شود.

عبدالرزاق با احادیث صحیح‌تر شروع نمی‌کند و گاهی اوقات با احادیثی که سندش ضعیفتر است، شروع می‌کند و آن حدیث را که صحیح‌تر است، به تأخیر می‌اندازد.

با رأی و نظر خود یک باب را شروع نمی‌کند.



با حدیث پیامبر شروع نمی‌کند که سپس به احادیث صحابه برسد، بلکه با احادیث تابعین شروع می‌کند؛ زیرا احادیث تابعین شامل دو مورد گذشته نیز می‌شود.

عبدالرزاق در ترتیب کتابش احادیث را که یک راوی واحد دارند، پشت سر هم ذکر می‌کند. اگر احادیثی که یک راوی واحد دارند، دارای متابعات باشند، همه آن‌ها را ذکر می‌کند و اگر در یک شخص در سند فرق کند و بقیه یکی باشد، همه آن‌ها را دوباره ذکر می‌کند تا به آن شیخ بزرگشان (کسی که سند به آن تمام می‌شود) برسد؛ اما اگر دارای متابعات نباشد، آن را بدون ترتیب معینی ذکر می‌کند.

همچنین ترتیب احادیث یک باب بر اساس سند و رأی فقهی است. به همین خاطر است که هم بر اساس شیوه سند و هم مضمون متن، صحیح است و عبدالرزاق همین شیوه را در روایت کردن احادیث مرفوع و موقوف و مقطوع در پیش گرفته است.

۵-۵. روش عبدالرزاق در بخش المغازی

عبدالرزاق بخش کتاب المغازی را با طرح حوادث مهمنم پیش از ولادت پیامبر ﷺ، مانند حفر چاه زمزم، آغاز می‌کند. آنگاه با تحری منسجم و روایی به بیان شرح حال پیامبر تا زمان رسالت وی می‌پردازد؛ اما در فصل بعدی، ناگهان به واقعه حدیبیه اشاره می‌کند. سپس به عقب باز می‌گردد و موضوع جنگ بدر را بیان می‌کند. این در حالی است که در هیچ جای این بخش، وی عبارتی نمی‌آورد که دال بر آن باشد که به ضعف‌ها و کاستی‌های کار خود – در این مورد خاص – آگاه بوده است. اگرچه در مورد نحوه ارائه موضوعات تاریخی، کتاب خاصی را به عنوان الگو و معیار، نمی‌توان در نظر گرفت اما در مورد نویسنده این کتاب به صراحت می‌توان گفت که وی ملاحظه و دغدغه چندانی برای نقل روایات طبق توالی زمانی نداشته است. با این وجود، تنوع موضوعات مطرح شده در کتاب المغازی عبدالرزاق شایان توجه است. صرف نظر از روایاتی که پیرامون زندگی پیامبر است، روایاتی تفسیرگونه در مورد تاریخ صالحان و حنفاء پیش از اسلام، عنوان می‌شود. برای مثال چندین روایت در مورد اصحاب الاخدود، اصحاب کھف و همچنین بنای بیت المقدس وجود دارد. در ادامه نیز روایاتی در مورد وقایعی که پس از وفات پیامبر ﷺ در تاریخ اسلام رخ داده‌اند، ارائه می‌گردد.

در بررسی نحوه سازماندهی گزاره‌های تاریخی در کتاب المغازی عبدالرزاق با این فرضیه قریب به یقین مواجه هستیم که صورت فعلی کتاب یاد شده، [نه توسط نویسنده‌گان آن‌ها، بلکه]

توسط افرادی تنظیم شده است که بعدها به جمع‌آوری و تدوین آن اقدام نموده‌اند. بنابراین، اگر تصادفًا برخی روایات در کتاب المغازی عبدالرزاق، از نظر زمانی با ترتیب حقیقی وقوع آن‌ها هماهنگ نیست، نمی‌توان آن را اشتباه وی دانست؛ زیرا با نگاه کوتاهی به مغازی این ابی شیبه و صحیح البخاری درمی‌یابیم که بین زمان حقیقی وقوع حوادث و ساختارهای زمانی این کتب نیز تفاوت‌هایی وجود دارد. اما به هر حال، ترتیب نقل گزاره‌های تاریخی در دستنوشته‌های نویسنده‌گان این کتاب‌ها با آنچه بعدها به عنوان کتب کامل و مدقون، آماده و منتشر شده بود، اختلاف چندانی نداشت (زمان، ۱۳۸۰: ۵).

روایاتی که عبدالرزاق درباره جنگ بدر فراهم نموده است، اطباب و تطویل ندارد و تقریباً به صورت موجز بیان شده است. اگر بخواهیم درون‌مایه گزارش‌های عبدالرزاق را درباره بدر توصیف کنیم، باید بگوییم اگرچه دامنه کار عبدالرزاق محدود است، اما روایت‌های وی (که با استناد به اقوال معمر بن راشد، ایوب ابن ابی تمیمه و عکرمه نقل شده‌اند) روایاتی واضح و منسجم هستند که با یکدیگر هماهنگی داشته و همگی دارای آغاز و انجام هستند. به همین دلیل، غالب محققین از مغازی عبدالرزاق با عنوان (اثری با ساختار روایی) نام می‌برند.

اسناد عبدالرزاق در گزارش از واقعه حدیبیه فنی‌تر می‌نماید. روایات عبدالرزاق نشان می‌دهد که وی به عنوان محدث و از دید یک محدث، تنها به گزینش گزاره‌هایی (در مورد حدیبیه) پرداخته است که به راستی ارزش نقل داشته باشد.

غازی عبدالرزاق با وفات پیامبر پایان نمی‌باید، بلکه علاوه بر بیماری پیامبر، روایاتی نیز درباره خلفای او نقل می‌کند. روایات عبدالرزاق به خلفای راشدین محدود نمی‌گردد و روایاتی نیز درباره حکام سوریه و عراق در زمان خلفای راشدین، نخستین فتوحات اسلامی، منازعات بین علی^ع و معاویه و ازدواج فاطمه^ع و علی^ع نقل شده است.

در نهایت، می‌توان چنین نتیجه گرفت که عبدالرزاق نیز جزء محدثین بوده است و مغازی وی ساختاری حدیثی دارد. لذا باید گفت که مغازی از دیدگاه عبدالرزاق نوعی تاریخ است که وی به عنوان یک (محدث) باید در صیانت و انتقال آن بکوشد.

۶-۵. شیوه عام عبدالرزاق

۶-۶-۱. نقل صحیح و ضعیف

عبدالرزاق تنها احادیث صحیح را نمی‌آورد، بلکه به معنای عام کلمه، احادیث ضعیف را هم می‌آورد و توجهی ندارد که آن حدیث نزد خود او ضعیف است یا به علت اختلاف در اجتهاد ضعیف است. سندهایی که عبدالرزاق در کتابش می‌آورد، شامل همان تقسیم‌هایی است که حدیث‌شناسان از احادیث صحیح و غیرصحیح دارند؛ اما احادیث صحیح غالب احادیث کتابش را شامل می‌شود و بیشتر روایاتش از شیخ است که صحیح‌ترین روایاتش نیز می‌شود. عبدالرزاق، مانند نویسنده‌گان کتب سنن، حدیث خود را از طبقه پنجم روایان نیز اخذ کرده است؛ همان‌طور که مانند نویسنده‌گان کتاب‌های سنن روایات فقهی را هم نقل کرده است.

۵-۶-۲. نقل اخبار صحابه و تابعین

عبدالرزاق، در المصنف خود، اکثر مطالب را از احادیث و آثار متعلق به احکام فقهی، شامل حلال و حرام و واجب و مکروه و مباح و مستحب، جمع‌آوری کرده است و چیزهایی که شاذ است، بسیار کم هستند. واضح است که اهتمام عبدالرزاق بیشتر به منظور آسان کردن کار فقهای زمانه‌اش بوده است. برای همین است که تنها احادیث پیامبر را جمع‌آوری نکرده، بلکه آثار صحابه و تابعین را هم جمع‌آوری کرده و این نشان می‌دهد که عبدالرزاق بر حجیت اقوال و گفته‌های صحابه نیز معتقد بوده؛ همان‌گونه که بر حجیت گفته‌ها و کردار پیامبر اعتقاد داشته است؛ چرا که اگر غیر از این بود، بسیاری از ابواب کتابش از احادیث مرفوع خالی نمی‌شد. در این کتاب غیر از آثار صحابه و تابعین تابعین تابعین دیده نمی‌شود.

عبدالرزاق تنها احادیث پیامبر را ذکر نمی‌کند، بلکه احادیث صحابه و تابعین را هم می‌آورد. عبدالرزاق از یک شیوه و منهج خاص تبعیت نمی‌کند، بلکه یک حدیث یا دو حدیث را می‌آورد؛ چه از پیامبر یا غیر او و چه صحیح یا غیرصحیح.

۵-۶-۳. ذکر همه احادیث یک موضوع و رعایت امانت علمی

عبدالرزاق به یک موضوع از تمامی جوانب می‌پردازد و هیچ حدیث یا روایتی را درباره آن موضوع خاص رها نمی‌کند و آن حدیث یا اثر را همان‌گونه که نقل شده، روایت می‌کند و دیگر نگاه نمی‌کند که آیا صحیح است یا خیر، یا در آن دخل و تصرف نمی‌کند و امانت علمی را رعایت می‌کند؛ اگرچه این مسأله باعث به وجود آمدن تعارض در متن این کتاب شود.

عبدالرزاق یک عنوان عام بر می‌گزیند، به نام مثلاً کتاب الطهارة، سپس مسائل مربوط به

طهاره را به ابواب کوچک‌تری تقسیم می‌کند و نام آن‌ها را باب می‌گذارد. سپس در زیر مجموعه آن باب، احادیث و آثار را با سند ذکر می‌کند (صنعتی، ۱۴۰۳: ۲۹۷-۳/۱)؛ اما گویا شیوه خاصی ندارد.

وی تعهد نمی‌کند که احادیث موجود در یک فصل را درک کند، بلکه آنچه را که از بقیه استنباط می‌شود یا آنچه را از آن‌ها به دست می‌آورد، فهرست می‌کند.

۵-۶-۴. بیان همه نظرات فقهی درباره یک مسأله

هنگامی که او در معرض مسائل فقهی قرار گرفته باشد که در حدیث وارد شده در این باب نیست، اجتهادات و فتاویٰ صحابه و تابعین و سخنان مجتهدین را ذکر می‌کند و از میان آن اجتهادات، آنچه را که برای وی روشن شده صحیح است، برمی‌گزیند و می‌گویید: «و بهذا نأخذ» (همان: ۱۶۳/۱؛ ۲۱۱/۱؛ ۱۸۵/۲؛ ۱۹/۲).
کتاب «التحصین» عبدالرزاق صنعتی در آینه پژوهش

۵-۶-۵. عدم تقطیع احادیث مفصل

در احادیث مفصل متن را قطع نمی‌کند، بلکه آن را به صورت کامل و بدون تقطیع می‌آورد.

۷-۵. شیوه خاص عبدالرزاق

۷-۵-۱. بسنده‌گی به اقوال صحابه و تابعان

عبدالرزاق در یک باب آثار صحابه و تابعین را فقط می‌آورد؛ مثلاً در باب «شستن دست‌ها در وضو» هیچ حدیثی را نمی‌آورد، بلکه جایی حدیث می‌آورد که خارج از مألوف و عرف باشد؛ گویا که در باب شستن دست‌ها اصلاً حدیث و روایتی وجود ندارد؛ برای این‌که شستن دست‌ها یک چیز مألوف و عرف است و نیازی به دلیل ندارد (همان: ۵/۱).

۷-۵-۲. بیان رأی فقهی در مسائل اختلافی

شیوه عبدالرزاق این است که وقتی به یک مسأله اختلافی می‌رسد، آن اختلاف را کاملاً ذکر می‌کند. سپس نظر خود را با ادلہ ثابت می‌کند؛ همان‌گونه که در باب «آیا مرد سرش را در وضو با نوک انگشتانش مسح می‌کند» انجام داده است (همان: ۹/۱-۱۰). جنبه انتخاب‌های فقهی در کتاب عبدالرزاق زیاد باز نیست؛ زیرا او بیشتر محدث است تا فقیه؛ اما در کتاب المصنف دیده

می‌شود که حداقل بیشتر از صدجا او رأی فقهی داده است و این رأی فقهی را با عنوانی مانند «و به نأخذ، وبه ياخذ عبدالرزاق، و لانأخذ به» (همان: ۲۱۱/۱؛ ۲۹۳/۲؛ ۴۰۷/۳؛ ۴۹/۱۰؛ ۱۸۵/۲) نشان داده است و این بیان‌گر قدرت فقهی وی است.

۷-۳. استفاده از لفظ «حدثنا» برای عبارات توضیحی

عبدالرزاق، پس از ذکر یک روایت، عباراتی را برای توضیح یا تفسیر کلمات اضافه می‌کند و آن‌ها را به یکی از شیوخ خود نسبت می‌دهد و برای بیان روش تحمل خود از الفاظ «عن فلان» یا «خبرنا فلان» یا «قال فلان» استفاده می‌کند؛ نه از لفظ حدثنا.

۷-۴. شرح لغات

او لغدان ماهری است. لغات سخت را توضیح داده است و کتابش را با شرح الفاظ غریب آراسته است.

۷-۵. علم بلدان

وقتی در حدیث سرزمینی ذکر شده – که غیرمعروف است –، آن را برای خوانندگان شناسانده است.

۷-۶. عدم رعایت ارتباط احادیث ذیل یک کتاب

درست است که اکثر متن کتاب عبدالرزاق دارای نظم و ترتیب خاصی است، ولی گاهی اوقات اختلالاتی هم دارد. گاهی عبدالرزاق در یک باب یا کتاب موضوع احادیثی را می‌آورد که ربطی به موضوع ندارد؛ به عنوان نمونه، در کتاب الصلاه، باب «حسن الصوت» را ذکر می‌کند (همان: ۴۸۴/۲)، در کتاب الجمعة باب «ذکر القصاص» را می‌آورد (همان: ۲۱۹/۳).

۷-۷. عدم رعایت ترتیب زمانی در ذکر عناوین باب‌ها

عبدالرزاق در ذکر احادیث یک باب، ترتیب زمانی را مدنظر قرار نمی‌دهد؛ مثلاً باب «تزویج فاطمه» را در کتاب معازی بعد از ابواب «مرض الرسول» آورده است (همان: ۴۸۵/۵).

۷-۸. طبقات روات از نگاه عبدالرزاق

افرادی که در طبقه اول راویان هستند، در نهایت صحت و اعتبار هستند؛ افرادی که از شیخ حدیث حفظ داشتند و مصاحبت او را داشتند.

طبقه دوم، راویان در عادل بودن مانند طبقه اول راویان هستند؛ فقط تفاوتشان این است که طبقه اول هم معتبر بودند و هم حافظ و هم مدت زیادی با شیخ مصاحب داشتند، ولی طبقه دوم مدت مصاحبتشان با شیخ کوتاه بوده است و هم در معتبر بودن و حافظ بودن (حفظ داشتن حدیث از شیخ) به مقام و مرتبه طبقه اول نمی‌رسند.

طبقه سوم، افرادی بودند که با شیخ مصاحب داشتند؛ مثل طبقه اولی‌ها، ولی کلامشان از برخی ایرادات مصون نمانده است. عبدالرزاق برخی حرف‌های ایشان را قبول می‌کرد و برخی را رد می‌کرد (فی حفظهم شیء - جرح - و تحقق الملازمه).

طبقه چهارم، مانند طبقه سوم حرفهایشان جرح و تعديل دارد، ولی کمتر از طبقه سومی‌ها حدیث شیخ را نقل کرده‌اند؛ چرا که به اندازه آن‌ها با شیخ مصاحب نداشته‌اند (فی حفظهم شیء - جرح - و لا الملازمه).

طبقه پنجمی‌ها تعدادی از ضعیف‌ها و افراد ناشناخته هستند.

۵-۹. مصادر عبدالرزاق در مصنف

۱. جامع معمر بن راشد البصری (به صورت کامل ذکر کرده است)،
۲. احادیث من صحیفه همام بن منبه (نیمی از آن را ذکر کرده است)،
۳. احادیث عبدالله بن عمرو عمرو بن العاص،
۴. احادیث جابر بن عبدالله،
۵. احادیث مجاهد بن جبر و دیگران.

۶. مقایسه روش‌های به کار گرفته شده در کتب شش گانه و تأثیرپذیری آن‌ها از روش‌های عبدالرزاق

عبدالرزاق مبدع روش‌هایی در سندشناسی حدیث و فقه بوده است که در برخی موارد این روش‌ها توسط نویسنندگان کتب شش گانه به اوج شکوفایی خود رسید:

۶-۱. تراجم (عنوانین باب‌ها)

الف) تراجم ظاهری: روش غالب آوردن تراجم ظاهری است غالباً در کتاب تراجم به صورت ظاهری می‌آید فقط در برخی موارد به صورت خبری یا استفهامی «سؤال» می‌آید که یا در قالب

جملاتی از خود عبدالرزاق است یا در قالب نص خود حدیث یا قول کسی دیگر یا در قالب آیه قرآنی. بخاری نیز به همین روش عمل می‌کند و از بین همه این روش‌ها آن روشی را که تأییدکننده نظرش باشد، انتخاب می‌کند.

ترجم استنباطی: این نوع تراجم در المصنف به وجود آمد و بخاری به سطح استنباطات دقیق رساند.

ب) اما بیان احکام فقط در قسمت توضیحات حدیث وجود دارد و در متن خود حدیث یا تغییبات آن نیست. در آن قسمت فقط آرای صحابه و تابعین وجود دارد. عبدالرزاق احکام شرعی را یا با اعاده کل حدیث ذکر می‌کرده؛ اگرچه آن حدیث طولانی بوده باشد، یا این که مضمون آن حدیث را دوباره ذکر می‌کرده؛ کاری که مسلم نیز آن را انجام داده است.

ج) از ویژگی‌های عبدالرزاق تکرار کردن یک حدیث به علت فایده جدیدی است که از آن مترب می‌شود و کمتر پیش می‌آید که بدون علت و دلیل خاصی فقط به قصد آوردن یک شاهد جدید حدیث را تکرار کند. عبدالرزاق همچنین یک حدیث طولانی را به باب‌های مختلف تقسیم‌بندی می‌کند. بخاری نیز همین امور را انجام می‌دهد، هم ممکن است حدیث را تکرار کند و هم حدیث طولانی را به قصد بهره‌برداری بیشتر از آن حدیث تقطیع کند. بخاری همچنین در یک حدیث طولانی فقط آن موضوع که در آن شاهد (کلام) وجود دارد، دوبار ذکر می‌کند. ابوادود نیز ممکن است حدیث تکراری بیاورد و حدیث طویل را مختصر بیاورد.

۶-۲. اصل و تغییبات

کتاب المصنف منبع خوبی برای فقه‌الحدیث است؛ درست مانند کتاب ترمذی؛ اما هر کدام از این کتاب‌ها (السنن ترمذی و المصنف عبدالرزاق) روش خاص خود را دارند.

عبدالرزاق در قسمت تغییبات حدیث، فواید دیگری را دنبال می‌کند؛ همچون:

- الف) توضیحات اضافی و توضیحات علماء و دانشمندان دیگر در قسمت‌های نامفهوم و غریب احادیث یا بیان اختلاف علماء در الفاظ یک حدیث و توجیهات هر کدام از آن‌ها؛
- ب) بیان رأی و نظر شخصی خودش یا رأی و نظر صحابه و تابعین که از آن‌ها با لفظ «رأی الناس» یاد می‌کند؛
- ج) بیان نکات فقهی، مانند بخاری، ولی بخاری بیشتر مسائل و نکات فقهی را در قسمت

ترجم می‌آورد و بیشتر به غرائب قرآن می‌پردازد؛ در حالی که مسلم با دقت و کنجکاوی بیشتری به اختلاف الفاظ راویان می‌پردازد.

وی در باب‌های کتابش متابعات حديث را کاملاً آورده و سپس شواهد را بیان می‌کند و وقتی شواهد را ذکر کرد، طرق آن را خیلی مختصر ذکر می‌کند. گاهی اوقات بین شیوخ حديث با حرف «و» عطف می‌کند؛ مانند نویسنده‌گان کتب شش گانه، البته به جز مسلم و گاهی بین سندهای حديث نیز عطف می‌کند. متابعات و شاهدها را نیز همین طور. عطف آوردن بین متابعات قاصره^۱ روش تحويل نام دارد که مسلم، از بین نویسنده‌گان کتب شش گانه، به این روش مشهور شده است. عبدالرزاق شروطی را که بعداً مسلم در پیش گرفته بود، لزوماً رعایت نکرده است.

از جمله روش‌های مختصر آوردن سندها روش تعلیق است. عبدالرزاق نیز قابل به این مطلب بوده که احادیث در اصل باید به یک صیغه نقل شده باشد ولی بعد از اصل اگر صیغه‌های مختلف داشته باشد مشکلی پیش نمی‌آید. همین قاعده و قانون را بخاری نیز اعتقاد دارد ولی امام بخاری روش و شروط دیگری نیز دارد که عبدالرزاق آن شروط را قائل نبوده است.

عبدالرزاق به مسائل دیگری در نقل سند حديث قائل است مانند مختصر آوردن سند همراه با اشاره به آن. و روش مسلم در مختصر آوردن سند حديث مانند روش عبدالرزاق است.

۷. نتیجه‌گیری

«عبدالرزاق» در شمار راویانی قرار دارد که روایات بسیاری را نقل و گردآورده است. با توجه به توثیق وی از سوی رجالیان، وثاقت او محرز است؛ اما مذهب عبدالرزاق محل بحث است. عبدالرزاق در کتاب خود شرط خاصی را که باید رعایت شود، قید نکرده است و هیچ یک از دانشمندان ذکر نکرده‌اند که وی ملزم به استخراج احادیث صحیح بوده، بلکه صحیح، حسن و ضعیف را نقل می‌کند. بنابراین پر واضح است که اهتمام عبدالرزاق بیشتر به منظور آسان کردن کار فقهای زمانه‌اش بوده است و به همین سبب تنها احادیث پیامبر ﷺ را جمع آوری نکرده است، بلکه آثار صحابه و تابعین را هم جمع آوری کرده و این نشان می‌دهد که عبدالرزاق بر حیث اقوال و گفته‌های

۱. در بحث اقسام حديث غریب و فرد نسبی، در صورتی که متابعت و موافقت نسبت به استادش یا مافقه استادش تحقق یافته باشد، متابع قاصره گویند.

صحابه نیز معتقد بوده؛ همان‌گونه که بر حجیت گفته‌ها و کردار پیامبر ﷺ اعتقاد داشته است؛ چرا که اگر غیر از این بود، بسیاری از ابواب کتابش از احادیث مرفوع خالی نمی‌شد.
وی در عصر حدیث زندگی می‌کرد و علم را از علماً و دانشمندان به صورت شفاهی و بدون واسطه کلامی فراگرفت. بنابراین مصدر کتاب وی فقط روایت بود و اکثر روایاتش را از سه نفر از شیوخ خود روایت کرده است.

محدثان از الفاظ و روش‌های مختلفی برای اخذ حدیث استفاده می‌کنند؛ اما عبدالرزاق میان این الفاظ تقاوی قابل نیست؛ مانند روش اکثر حجازیون و کوفین.

عبدالرزاق به یک موضوع از تمامی جوانب می‌پردازد و آن حدیث یا اثر را همان‌گونه که نقل شده، روایت می‌کند و در آن دخل و تصرف نمی‌کند و امانت علمی را رعایت می‌کند؛ اگرچه این مسئله باعث به وجود آمدن تعارض در متن این کتاب شود.
هنگامی که او در معرض مسائل فقهی قرار گرفته باشد، پس از ذکر اجتهادات و فتاویٰ صحابه و تابعین و سخنان مجتهدین، آنچه را که برای وی روشن شده صحیح است، بر می‌گزیند و این بیان‌گر قدرت فقهی وی است.

حقوقین از مغازی عبدالرزاق با عنوان اثری با ساختار روایی نام می‌برند. عبدالرزاق نیز جزء محدثین بوده است و مغازی وی ساختاری حدیثی دارد.

عبدالرزاق مبدع روش‌هایی در سندشناسی حدیث و فقه بوده است که در برخی موارد این روش‌ها (نظیر تراجم استنباطی) توسط نویسنده‌گان کتب شش گانه به اوج شکوفایی خود رسید.

كتابناهه

١. ابن اثير، على بن محمد. (بـ تـ). الكامل في التاريخ، بيروت: دار صادر.
٢. ابن بابويه، محمد. (١٣٧٦ق). من لا يحضره الفقيه، به كوشش: حسن موسى خرسان، نجف.
٣. ابن حبان، محمد. (١٣٩٣ق). الثقات، هند: دائرة المعارف العثمانية بحيدر آباد الدكن الهندي.
٤. ابن حجر عسقلاني، احمد بن على. (١٣٢٥ق). تهذيب التهذيب، بيروت: دار صادر.
٥. ———، (١٤٠٣ق). طبقات المدلسين تعريف اهل التقديس بمراتب الموصوفين بالتدليس، عمان: مكتبه المنار، چاپ اول.
٦. ———، (١٤٠٧ق). هدى الساري مقدمة فتح الباري، قاهره: دار الريان.
٧. ———، (١٤١٨ق). المعجم المفهرس، تحقيق: محمد شكور الميداني، بيروت: مؤسسة الرسالة.
٨. ابن حنبل، احمد بن محمد. (١٤٢٢ق). العلل و معرفة الرجال، رياض: دار الخانى، چاپ دوم.
٩. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد. (١٣٦٣ش). تاريخ ابن خلدون، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، چاپ اول.
١٠. ابن خلكان، احمد بن محمد. (١٣٦٤ق). وفات الاعيان، قم: الشرييف الرضي.
١١. ابن سعد، محمد. (١٤١٠ق). طبقات الكبرى، بيروت: دار الكتب العلمية.
١٢. ابن عساكر، على بن حسن. (١٤١٥ق). تاريخ دمشق، بيروت: دار الفكر.
١٣. ابن عبد البر، يوسف بن عبد الله. (١٤١٢ق). الاستيعاب في معرفة الأصحاب، تحقيق: على محمد البجاوى، بيروت: دار الجيل.
١٤. ابو زكريا، يحيى بن معين. (١٤٠٠ق). التاريخ، رواية الدورى، تحقيق: احمد محمد نور سيف، دمشق: دار المأمون للتراث.
١٥. اردبيلي، محمد بن على. (١٤٠٣ق). جامع الرواة و ازاحة الاشتباكات عن الطرق و الاسناد، بيروت: دار الاصوات.
١٦. اشبيلي، محمد بن خير. (٢٠٠٩م). الفهرست، تونس: دار الغرب الاسلامي.
١٧. آقابزرگ طهرانی، محمد محسن. (١٤٠٣ق). الذريعة الى تصانيف الشيعة، تحقيق: على نقى منزوی و احمد منزوی، بيروت: دار الاصوات.

١٨. بخاري، محمد بن اسماعيل. (١٣٧٧ق). تاريخ الكبير، بيروت: دار الكتب العلمية.

١٩. بغدادي، اسماعيل. (١٩٥١م). هدية العارفين، بيروت: دار احياء تراث العربي، چاپ اول.

٢٠. بناني، هاشم بن محمد بن احمد. (١٤١٩ق). زوائد مصنف الامام عبدالرازق الصنعاني على الكتب الستة من الاحاديث المروفة من اول المنصف الى نهاية كتاب المناسك، دراسة و تحرير و تعليق: جلال الدين عجوه، مكه: جامعه ام القرى.

٢١. تمذى، محمد بن عيسى. (١٤٠٩ق). علل الترمذى الكبير، بيروت: مكتبه النهضة العربية، چاپ اول.

٢٢. تفرشى، مصطفى بن حسين. (١٤١٨ق). نقد الرجال، قم: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث.

٢٣. جعدي، عمر بن على. (١٩٥٧م). طبقات فقهاء اليمن، بيروت: دار القلم.

٢٤. حاجى خليفه، مصطفى بن عبدالله. (١٩٤١م). كشف الظنون عن اسامى الكتب و الفنون، بغداد: مكتبه المشتى.

٢٥. حجرى يمانى، احمد بن محسن. (١٩٩٦م). مجموع البلدان اليمن و قبائلها، تحقيق: اسماعيل بن على الأكوع، يمن: دار الحكمه اليمانية.

٢٦. خوبى، ابوالقاسم. (١٣٦٨ش). معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواه، قم: دفتر آية الله العظمى الخوئى.

٢٧. داودى، محمد بن على. (بى تا). طبقات المفسرين، بيروت: دار الكتب العلمية.

٢٨. دفتار، اسماعيل عبدالخالق عبدالعزيز. (١٩٧٦م). مكانه العلieme لعبدالرازق بن همام الصنعاني، مصر: دانشگاه الازهر.

٢٩. ذهبى، شمس الدين. (١٣٨٢ق). ميزان الاعتدال، بيروت: دار المعرفه للطبعه و النشر، چاپ اول.

٣٠. ———، (١٤١٩). تذكرة الحفاظ، بيروت: دار لكتب العلميه.

٣١. ———، (١٤٢٧). سير اعلام النبلاء، قاهره: دارالحديث.

٣٢. الرازى، ابن ابي حاتم. (١٢٧١ق). الجرح و التعديل، بيروت: دار احياء التراث العربي.

٣٣. زركلى، خير الدين. (١٩٨٠م). الاعلام، بيروت: دار العلم للملايين، چاپ پنجم.

٣٤. سزгин، فؤاد. (١٤١٢ق). تاريخ التراث العربي، قم: كتابخانه عمومى آية الله مرعشى نجفى، چاپ دوم.

٣٥. سعود عجبين، اسماء ابراهيم. (١٤٢٩ق). منهج الحافظ عبدالرازق الصنعاني فى مصنفه، قاهره: المكتبة الاسلامية.

٣٦. شبيستري، عبدالحسين. (١٤١٨ق). *الفائق في رواة واصحاب الامام الصادق*، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ اول.
٣٧. شرف الدين، عبدالحسين. (بی تا). *المراجعات*، تهران: المجمع العالمي لاهل البيت.
٣٨. صناعي، عبدالرزاق بن همام. (١٤١٩ق). *تفسير عبد الرزاق*، تحقيق محمود محمد عبده، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول.
٣٩. ———، (بی تا). *الأمالى فى آثار الصحابة*، تحقيق: سيد ابراهيم مجدى، قاهرة: مكتبه القرآن.
٤٠. ———، (١٤٠٣ق). *المصنف*، تحقيق: حبيب الرحمن اعاظمى، بيروت: المكتب العلمي.
٤١. الطبراني، ابوالقاسم سليمان بن احمد بن ایوب. (١٤١٥ق). *المعجم الاوسط*، تحقيق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن ابراهيم الحسيني، قاهره: دار الحرمين.
٤٢. طبسى، محمد جعفر. (١٣٧٩ش). *رجال الشيعه فى اسانيد السنّه*، قم: بنیاد معارف اسلامی، چاپ اول.
٤٣. الطحان، محمود. (١٩٩٦م). *أصول التخريج و دراسة الأسانيد*، رياض: مكتبه المعارف، چاپ سوم.
٤٤. طوسى، محمد بن حسن. (١٣٧٣ش). *رجال الطوسى*، تصحيح: جواد قيومى، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، چاپ سوم.
٤٥. ———، (١٣٥١ش). *الفهرست*، به کوشش اشپرنگر، مشهد.
٤٦. عجلی، احمد بن عبدالله. (١٤٠٥ق). *معرفة الثقات*، مدینه: مکتبه الدار، چاپ اول.
٤٧. علائی، صلاح الدين. (١٤١٧ق). *المختلطين*، القاهره: مکتبة الخانجي، چاپ اول.
٤٨. فقی، عصام الدين عبد الرؤوف. (١٩٩٤م). *اليمن في ظل الإسلام؛ منذ فجره حتى قيام دولة بنی رسول، یمن*: دار الفكر العربي.
٤٩. قاسمی، جمال الدين. (١٤٢٧ق). *قواعد التحديث*، بيروت: دار النفائس.
٥٠. قوجی، حسن خان. (١٤٠٥ق). *الحطه في ذكر الصحاح السته*، بيروت: دار الكتب التعليمية.
٥١. كتانی، محمد. (١٤١٤ق). *الرسالة المستطرفة لبيان مشهور كتب السنة المشرفة*، بيروت: دار البشائر الاسلاميه، چاپ پنجم.
٥٢. کحاله، عمر رضا. (بی تا). *معجم المؤلفین*، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
٥٣. المزی، جمال الدين. (١٤٠٠ق). *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*، بيروت: مؤسسه الرساله.
٥٤. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله. (بی تا). *معجم البلدان*، بيروت: دار صادر.

۵۵. ابواللیث، محمد. (۱۴۳۲ق). «*مصنف الامام عبدالرزاق الصنعاني: تاريخ، تقييم، منهج*»، *الدراسات الاسلاميه*، ش ۳ / ص ۲۵-۶۷.
۵۶. زمان، محمد قاسم. (۱۳۸۰م). «*غازی و محدثین*»، مترجم: لقمان سرمدی، آینه پژوهش، ش ۶۹ / ص ۳۳-۴۷.
۵۷. صدیقی، ظفر احمد. (۲۰۱۹م). «*كتاب الجامع مصنف عبدالرزاق والجامع عمر بن راشد؛ ايک معروضی مطالعہ*»، مترجم: لیلا عبدی خجسته، ماه نامه معارف، هندوستان، دارالمصنفین شبی آکادمی، *اعظم گر*.
۵۸. غلامی، عبدالله. (۱۳۸۷). «*نقد و معرفی کتاب سیری در تفسیر عبدالرزاق صنعاني*»، آینه پژوهش، ش ۱۰۹ / ص ۱۵-۳۱.
۵۹. موتسکی، هارالد. (۱۳۸۵). «*مصنف عبدالرزاق صنعاني منبعی برای احادیث قرن نخست هجری*»، ترجمه زهرا نفیسی، *علوم حدیث*، ش ۴۰ / ص ۹۵-۱۲۲.